

بچا سندا

۲

ماجرای جویی

خفن

باسفینهی
پروفسور
آچومبه

نقشهی شرورانه

هوپا
Hoopa

۲
ماجرای جویی
خفن
باسفینه‌ی
پروفسور
آچومبه
نقشه‌ی شرورانه



ژانومه کوپونس
تصویرگر: اُسکار ژولوه
مترجم: آزاده رادکیان پور

Original title: Aventura total: Un plan maléfico
 © 2019 Jaume Copons, for the text
 © 2019 Òscar Julve, for the illustrations
 © 2019 Penguin Random House Grupo Editorial, S.A.U.
 Translation rights arranged by IMC Agència Literària,
 SL. All rights reserved.
 Persian Translation © Houppaa Publication, 2024



نشر هوپا در چارچوب قانون بین المللی حق انحصاری نشر اثر (Copyright)، امتیاز انتشار ترجمه‌ی فارسی این کتاب را در سراسر دنیا با بستن قرارداد از آژانس ادبی نویسنده و تصویرگر آن خریداری کرده است.

رعایت «کپی‌رایت» یعنی چه؟

یعنی «نشر هوپا» از نویسنده‌ی کتاب، ژانومه کوپونس، برای چاپ این کتاب به زبان فارسی در ایران و همه جای دنیا اجازه گرفته و بابت انتشارش، سهم نویسنده، یعنی صاحب واقعی کتاب را پرداخت کرده است.
 اگر هر ناشری غیر از هوپا، این کتاب را به زبان فارسی در ایران یا هر جای دنیا چاپ کند، بدون اجازه و رضایت ژانومه کوپونس این کار را کرده است.

institut
ramon llull

This work was illustrated with the help of a grant provided by the Institut Ramon Llull

ماجرای جویی خفن نقشه‌ی شرورانه

نویسنده: ژانومه کوپونس
 تصویرگر: اُسکار ژولوه
 مترجم: آزاده رادکیان‌پور
 ویراستار: مانا رجب‌زاده
 طراح گرافیک جلد: علی بخشی
 طراح گرافیک: سحر احدی، شیما هاشمی
 ناظر چاپ: سینا برازوان
 نوبت چاپ: دوم
 تیراژ: ۵۰۰ نسخه
 قیمت: ۲۱۰۰۰۰ تومان
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۵۱۸-۰



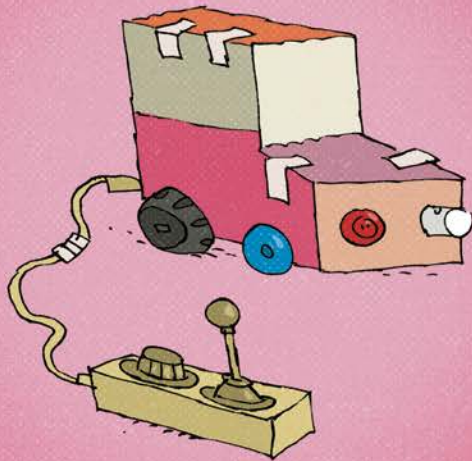
هوپا
Hoopaa

آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون، کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی
 صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵ تلفن: ۸۸۹۹۸۶۳۰ www.hoopaa.ir info@hoopaa.ir
 ■ همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.
 ■ استفاده از متن این کتاب فقط برای نقد و معرفی و در قالب بخش‌هایی از آن مجاز است.

سرشناسه: کوپونس، ژانومه، ۱۹۶۶ - م.
 Copons, Jaume
 عنوان و نام پدیدآور: نقشه‌ی شرورانه/ ژانومه کوپونس:
 تصویرگر: اُسکار ژولوه؛ مترجم: آزاده رادکیان‌پور.
 مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۴۰۲.
 مشخصات ظاهری: ۱۰۴ ص. مصور(رنگی)
 فروست: ماجراجویی خفن یا سفینه‌ی پروفیسور آچومبه: ۲.
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۵۱۸-۰
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
 یادداشت: عنوان اصلی: Un pla maléfic
 موضوع: داستان‌های اسپانیایی
 Spanish fiction
 موضوع: داستان‌های ماجراجویانه
 Adventure stories
 شناسه افزوده: خولو، اوسکار، ۱۹۷۲ - م.، تصویرگر
 Julve, Oscar, 1972
 شناسه افزوده: رادکیان‌پور، آزاده، ۱۳۶۵ - مترجم
 رده‌بندی دیویی: ۸۶۳/۶۴ دا
 شماره کتاب‌شناسی ملی: ۸۷۲۹۷۸۸

فصل اول

ماجراجویی علمی،
کلاس فوق برنامه



بچه‌های کلاس علوم کاربردی، لیا و اولیسیس را مسخره می‌کردند، چون فقط آن‌ها برای کلاس ماجراجویی علمی اسم نوشته بودند. راستش همه مطمئن بودند که حوصله‌ی آن دو نفر سر کلاس، در حد مرگ سر می‌رود.

بچه‌های کلاس علوم کاربردی، لیا و اولیسیس را مسخره می‌کردند، چون فقط آن‌ها برای کلاس ماجراجویی علمی اسم نوشته بودند. راستش همه مطمئن بودند که حوصله‌ی آن دو نفر سر کلاس، در حد مرگ سر می‌رود.



لیا و اولییس با این که هم کلاسی‌هایشان مسخره‌شان می‌کردند، با شوق و ذوق رفتند سر کلاس پروفسور آچومبه. مطمئن بودند به ابدستان برمی‌گردند. ولی پروفسور جوری زد توی ذوقشان که انگار یک پارچ آب سرد رویشان ریخته باشد.



لیا و اولییس از ته دل دوست داشتند برای هم کلاسی‌هایشان تعریف کنند که به سیاره‌ی ابدستان سفر کرده‌اند و با ابدستانی‌ها آشنا شده‌اند. ولی پروفسور آچومبه و روبیکس حسایی به آن‌ها سفارش کرده بودند که راجع به آن قضیه برای هیچ کس چیزی تعریف نکنند.



به نظر می‌رسید پروفسور روی حرفی که به لیا و اولیسیس زده، خیلی سفت و سخت می‌ایستد، ولی دخالت روبیکس اوضاع را کمی عوض کرد.

پروفسور! اجازه بدید یه چیزی بگم. ییب. اگه بریم ابدستان، من خودم مسئولیت همه‌چی رو می‌پذیرم و قول می‌دم کارها به خوبی پیش بره.

درضمن، اون دستگاه‌های جابه‌جاکننده‌ی آخرین سیستمی که ساختید، در مواقع خطر خیلی به دردمون می‌خورن. ییب.

چطور کار می‌کنن؟

جابه‌جاکننده‌ی چی؟

ای روبات لعنتی!... شاید زیادی اطلاعات وارد حافظه‌ش کرده‌م.

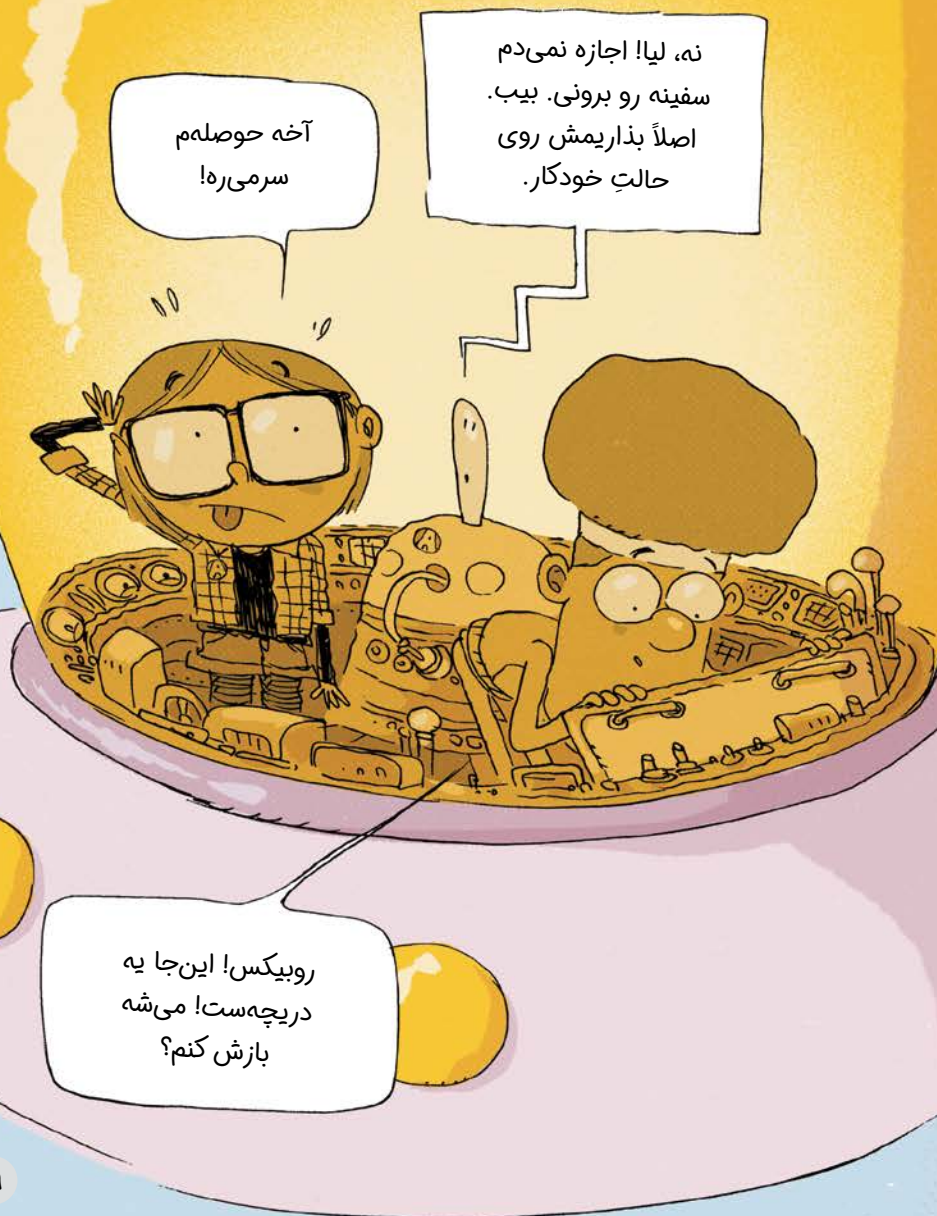
جابه‌جاکننده‌هایی که پروفیسور آچومبه ساخته بود، به لیا و اولییس و روبیکس کمک می‌کردند تا در زمان خطر بتوانند به سفینه برگردند.



فصل دوم در فضا



وقتی لیا سعی می‌کرد از روبیکس اجازه بگیرد تا چند دقیقه سفینه را هدایت کند، اولییس کف سرنديپ یک دریچه پیدا کرد.



پروفسور نتوانست جلوی اولییس و لیا را بگیرد و آن‌ها بالاخره جابه‌جاکننده‌هایشان را فشار دادند. البته روبیکس هم همین کار را کرد. چند ثانیه بعد، سوار سرنديپ بودند و داشتند در فضا پرواز می‌کردند.



اولیسیس منتظر جوابِ روبیکس نماند. سرخود دریچه را باز کرد و از تعجب شاخ درآورد.

خیلی بزرگه! چطور
همچین چیزی ممکنه؟
سرندیپ که خیلی
کوچیکه!

تکنولوژیِ خلاقانه‌ای که
پروفسور آچومبه توی ساخت
این سفینه به کار گرفته، واقعاً
شگفت‌انگیزه. بیب.

می‌شه رفت
پایین؟

صبر کنید!
تنهام نذارید!

فقط جاهای اصلی رو
نشونتون می‌دم. بیب.
اگه بخواهید همه‌جا رو
بینید، چند روز طول
می‌کشه!

باورم نمی‌شه!



وقتی لیا بازی‌اش را تمام کرد، از تالار بازی رفتند به اتاق دیگری که پر از نمایشگر بود.



اولین جایی که دیدند، تالار بازی بود. آن‌جا به‌جز میز بلیارد و پینگ‌پنگ، یک دستگاه عجیب و غریب هم دیدند که خیلی از آن خوششان آمد.



امکانات باورنکردنی آن جا تمامی نداشت. اولییس و لیا دست شویی‌ها، اتاق نشیمن، باشگاه ورزشی، استخر و کتاب‌خانه را دیدند و درست زمانی که فکر می‌کردند قرار نیست از چیز دیگری متعجب شوند، روبیکس یک بار دیگر شگفت‌زده‌شان کرد.

این‌جا...
جنگله!!!

دقیقاً. یه جنگل با مورچه‌ها
و پرنده‌های کوچولو... و یه
رودخونه پر از ماهی. بیب.

از باحال هم
باحال‌تره!

